حیات سیاسی شهید بزرگ آیت‌الله آقازاده خراسانی

آیت‌الله میرزا محمد خراسانی مشهور به آقازاده(۱۳۵۶-۱۲۹۴ هـ‌ق) یکی از درخشان‌ترین چهره‌های روحانیت است که خراسان پس از نهضت مشروطیت به خود دیده‌است. او، ازنقش آفرینان نهضت و قیام گوهرشاد و دهها رویداد مهم تاریخ سیاسی خراسان، بلکه ایران است.

آقازاده در نیمه شعبان ۱۲۹۴ هـ‌ق در نجف اشرف وبیت آیت‌الله آخوند خراسانی به دنیا آمد و نزد پدر تلمذ کرد و از او به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد و سال ۱۳۲۵ هـ. ق. یعنی یک سال پس از رویداد عظیم انقلاب مشروطه به دستور پدر به خراسان آمد و در مشهد اقامت گزید و آثاری به یادماندنی از خود به یادگار گذاشت. شخصیت میرزا محمد هنوز هم زبان زد محافل علمی، روحانیت و اساتید کهنسال حوزه‌های علمیه است.

امام خمینی(ر ه) که در حیات سیاسی پربارخود از کمتر کسی به نام یادکرده است، مبارزات ایشان را همپای مبارزات حاج آقانورالله اصفهانی و حاج آقا حسین قمی ستوده و در بخشی از خاطرات خود فرموده است.

«... یک نهضت، نهضت علمای خراسان بود، مرحوم آقازاده، و مرحوم آقا سید یونس و سایر علمای آن وقت، همه را گرفتند و آورند و در حبس تهران و من خودم مرحوم آمیرزا محمد آقازاده، رضوان الله علیه، را دیدم که یک جایی نشسته بود، بدون عمامه... تحت مراقبت بود...[1]»

ورود آیت‌الله میرزا محمد خراسانی به مشهد

پس از به توپ بسته شدن مجلس بود که میرزا محمد وارد مشهد شد. درآن زمان آیت‌الله سید محمد طباطبائی، یکی از رهبران روحانی مشروطیت نیز در مشهد به سرمی برد. همه مؤسسات دولتی و خصوصی و بازار به منظور تجلیل از شخصیت ایشان تعطیل کردند و انبوه مردم شهرخود را آماده استقبال کردند. عده‌ای با مکاری و کجاوه تا نیشابور و عده‌ای تا شریف آباد و طرق رفتند و زنان از مزرعه گل ختمی تا صحن امام رضا(ع) بین استقبال کنندگان شرکت کردند.

آیت‌الله آقازاده پس از تشرف به آستان قدس رضوی(ع) به منزلی رفتند که در کوچه سرحوضان پائین خیابان، از طرف حاج عبدالرحیم صراف و حاج مجلل التولیه و امین الشریعه و حاج

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محمد جعفریزدی که همه ازمبارزین برجسته شهر بودند، تهیه شده بود. ازاین رو مردم، مجاهدان و مشروطه خواهان به دیدار ایشان می شتافتند و مجلل التولیه تا سه ماه میزبان ایشان بود و پس از سه ماه، منزل حاج رجبعلی فخرالاسلام بخارایی، که در کوی گوهرسود پشت سرای ازبکها بود، برای آقازاده خریداری شد و ایشان به منزل خود رفتند. وازآن به بعد کوچه مزبور به کوچه آقازاده شهرت یافت.

آمدن آقازاده به مشهد، موجب نگرانی دولتمردان گردید واین توهم را به وجود آورد که آیت‌الله طباطبائی و ایشان ممکن است باهم تبادل نظر داشته باشند و بتوانند زمام مشهد را به دست گرفته و این شهر را به یکی ازکانونهای بزرگ تبلیغی علیه سلطنت طلبان، تبدیل کنند. این بود که آیت‌الله طباطبائی طی نامه ای به وزیراعظم نوشت:

«صحبتی میان داعی و ایشان و دیگران از بابت مشروطه ابداً نشد و نخواهد شد. احدی ازاهل مشهد با داعی راه ندارد.[۲]»

ولی آقازاده عملاً با آزادیخواهان شهر از جمله حاج شیخ علی تهرانیان، حاج شیخ محمد کاظم تهرانیان، حاج محمد جعفر کشمیری و شیخ احمد بهار و حاج احتشام کاویانیان در ارتباط بود، تا این که تهران به دست نیروهای مجاهد و بختیاری به فرماندهی سپهدار تنکابنی و سردار اسعد و صمصام السلطنة بختیاری و دیگر فرماندهان فتح شد و شاه به سفارت روس پناه برد.

پس از تصرف تهران و شکست نیروهای تحت فرمان لیاخوف روسی، کمیسیونی برای برکناری محمدعلی شاه به وجود آمد که آیت‌الله میرزا محمدآقازاده، نیز نامزد عضویت آن شد و به تهران رفت. کار این کمیسیون اعاده مشروطه بود. شرکت کنندگان در کمیسیون توانستند محمد علی شاه را از سلطنت خلع و ولیعهد سیزده ساله او را به نام احمد میرزا به سلطنت برگزینند.

آقازاده در جمادی الثانی ۱۳۲۷ هـ ق زمان شورش سالارخان بلوچ زمام همه شهر مشهد را در اختیار داشت و خود غرق در سلاح بود و جایگاهش در حدی بود که دولت امنیت خراسان را از او می خواست.

در سال ۱۳۲۸ هـ ق ملک الشعرای بهار روزنامه نوبهار را که ناشر افکار حزب دمکرات بود، درمشهد دایر کرد و روشنفکران خراسانی با وی به همکاری پرداختند و آقازاده نیز تا مدّتی ازاین حزب طرفداری کرد، ولی عضویت آن را هرگز نپذیرفت. او، به همه امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر رسیدگی می کرد و همزمان دوره خارج فقه و اصول را تدریس می کرد. درس اودر مسجد گوهرشاد دایر می شد.

مبارزه با استقراض از بیگانگان

هنگامی که دولتمردان مشروطه در تنگنای مالی قرار گرفته بودند، با پیشنهاد سرسپردگان غرب زده به فکر استقراض افتادند. آقازاده با این امر شدیداً مبارزه کرد وصدای اعتراض او از خراسان به همه جای ایران رسید. و مسیر تصمیم گیری را به طور کلی تغییر داد. روزنامه حبل المتین در شماره ۳۶ سال ۱۳۲۸ هجری متن تلگراف شدید اللحن او را ثبت کرده است. دراین تلگراف آمده است:

«هیأت وزرای عظام دامت شوکته: تمام این خون ریزیها وازجان گذشتنها برای حفظ بیضه اسلام و وطن عزیز بود، لهذا امروز بر تمام مسلمین و ایرانیان واجب است که برای یک وجب خاك عزیز خون آلوده ایران از جان و مال بگذرند و نگذارند بیش از این دست پلید اجانب دراین مملکت دراز و دامان ناموس وطن زیاده براین آلوده گردد.

امروز، روزی است که خون شهدای راه وطن را، که استقلال ایران است، مسلمانان حفظ کنند. ازقرار مسموع برای مصارف خودی دولت امروز پنج کرور تومان وجه لازم شده، معلوم نیست چرا اولیای دولت فقط راه به دست آوردن این وجه ناقابل را، قرض کردن از خارجه باآن شرایط جانگذار که یکمرتبه قلم به هستی ایران می کشد، دانسته اند.

وزرای ممالک خارجه برای مصارف فوق العاده مملکت خود، آن وجه را با ترتیبات صحیحه از داخله و خود جمع آوری کرده، ملت هم باکمال میل می دهد. چه شده که اولیای دولت این موقع را مغتنم نشمرده وتا حال فکری برای جمع آوری اعانه از داخله نکرده اند؟ آیا درمیان سی کرور ایرانی نمی توان با تدابیر عملیه واین حسن توجه امروزه روسای روحانی و رغبت خود ملّت، پنج کرور دریافت که

هریک روی هم رفته پنج تومان داده که بیست و پنج کرور برای رفع احتیاجات دولت فراهم گردد؟ وبه این ننگ زیربار قرض خارجه نرویم. واین نوع استقراض از خارجه به مراتب معایبش بیشتر از قرض سابق است که پشت استقلال ایران را شکسته ومارا به این روز سیاه افکنده است... »

آقازاده با توجه به موقعیت بلند خود درمیان توده های محروم و متدین جامعه از افراط و تفریط جلوگیری می کرد و نقطه تعدیلی بود برای همه جناحها. به عنوان نمونه موضع گیری به حق او درجریان محاکمه نایب صدر، یکی از چهره های سیاسی دوره مشروطیت زنجان و حامیان ملاقربانعلی زنجانی، معروف به حجّت الاسلام که پدید آورنده خط سوّم در انقلاب مشروطیت ایران است، توانست مانع اعدام ایشان به دست افراطیون باشد.

اشغال خراسان و نقش بازدارنده آقازاده

روسها که تصرف کامل و تدریجی ایران را نوعی حق طبیعی خود می شمردند، در سال ۱۳۲۸ هـ. ق. تعدادی قزاق و بیست وپنج توپچی وهفت عراده توپ را از مرز خراسان عبور داده وبه مشهد آوردند. مردم با هدایت ایشان تلگرافهای زیادی در اعتراض به اشغال خراسان به دولتمردان زدند. ناامنی همه جای خراسان را پرکرد. سارقین چندین ماه تمام خاك طبس تا نزدیک تون و تربت و ترشیز را در اختیار داشتند. تلاشهای انجمن ایالتی به نتیجه نرسید. جان و مال مردم از تعرض چپاولگران در امان نبود، همه از افزایش نیروهای روس درخراسان، بیمناك شده بودند. دابیزا کنسول و ژنرال ردکو فرمانده نظامی روس در خراسان، مردم را در منگنه گذاشته بودند. مردم پناهگاهی جزبیوت عالمان دین، بخصوص بیت مرحوم آقازاده نداشتند. این بود که ایشان جریانات پنهانی زیادی را علیه حضور اجانب اعم از روس و انگلیس هدایت و رهبری کرد. از خاطرات سیاسی فرخ، به دست می آید که قتل اسماعیل خان قره باغی معاون کنسولگری روس به توصیه، یا دست کم، به حمایت ایشان صورت گرفته است.

از نوشته فرخ که مدّتی به عنوان کارگزار دولت، در همان روزها در تربت حیدریه فعالیت داشت، روشن می شود که کنسول روس می کوشید قتل را به گردن معروف ترین دشمن خود در ولایت خمسه، یعنی شیخ علی اکبر مجتهد بیندازد ودلیل او نامه ای بود به

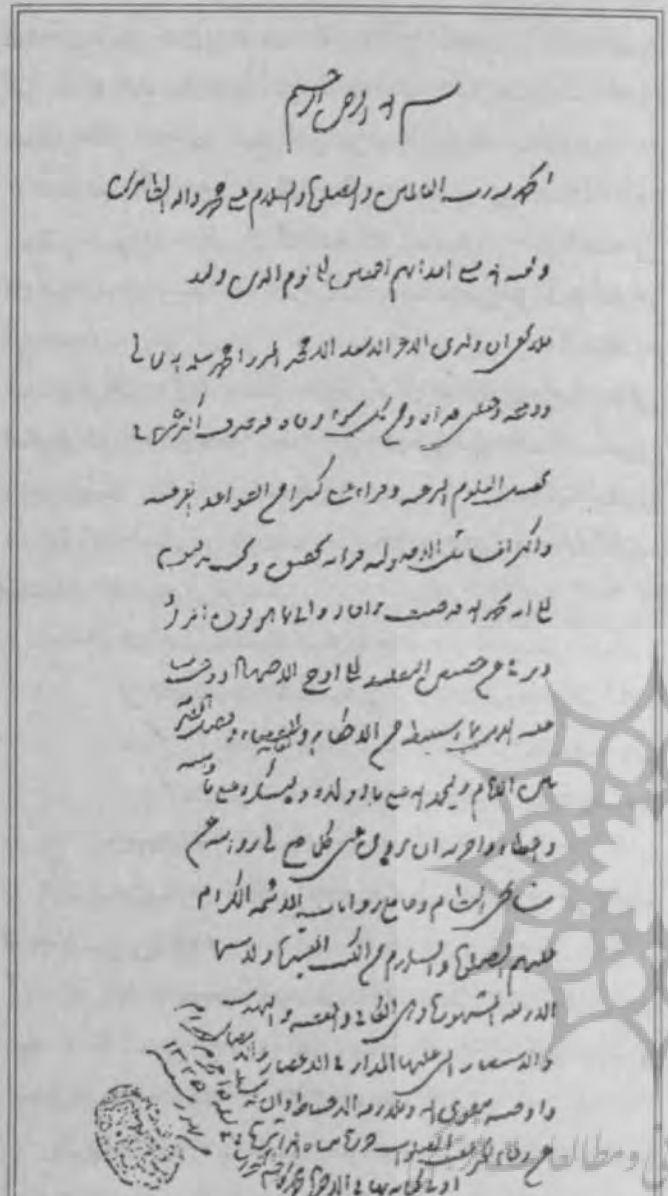

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آقازاده که مرحوم آخوند در محرّم الحرام ۱۳۲۵ هجری قمری به خطّ خود مرقوم داشته است.

خط شیخ علی اکبر که خطاب به فاضل بسطامی، دست راست آیت الله آقازاده خراسانی، نوشته شده بود: «به زحمت اسماعیل خان برداشته شد» ومهر شیخ علی اکبر نیز در زیر نامه نمایان بود.

همزمان با این رویداد، یکی دیگر از اتباع روس به دست حاجی مرتضی میرزا، حکمران گناباد به قتل رسید و روسها همه این اقدامات را از روحانیت خراسان، بخصوص مرحوم آقازاده می دانستند. واین سخن از خاطرات ژرژسرگی یوپچ آقابکف، جاسوس شوروی که تحت عنوان بازرس مخصوص نمایندگی تجارتی شوروی در محل کنسولگری مشهد اقامت داشت، به خوبی روشن است. او و مأموران دیگر سازمان چکا و بعدها گ. پ ئوی شوروی از حضور روحانیت در خراسان به زعامت آیت الله آقازاده بیمناك بودند. وی می نویسد:

«در حدود سه هزار نفر از روحانیون در مشهد گردآمده اند و این عده قدرت و نفوذ سیاسی فراوان در سراسر ایران دارند. مابرای رخنه به این مرکز قدرت بارها کوشیده ایم، ولی هیچ گاه توفیق استفاده از نفوذ این مرکز در جهت پیشرفت کارهایمان را نیافتیم.»

آنان راه نفوذ را در تطمیع ناپسری مرحوم آقازاده می یابند؛ آقابکوف می نویسد:

«تا آن که بالاخره توانستیم با رشوه دادن و فریفتن یکی ازتجار به داخل این مرکز قدرت راه پیدا کنیم. این تاجر، ناپسری آقازاده رئیس روحانیون مشهد بود.»

روسها با گسترش حضور خود درخراسان به دنبال بهانه ای می گشتند، تا بتوانند این بخش از خاك وطن اسلامی را تصرف کنند. و این بهانه را در دادن اولتیماتوم برای عزل موزگان شوستر آمریکایی یافتند که ریاست کل خزانه داری را به تصویب مجلس شورای ملی به عهده داشت.

علمای نجف تصمیم گرفتند همراه هزاران مردم داوطلب برای در اختیار گرفتن زمام امور ایران و بیرون راندن اجانب، از عتبات حرکت کنند. آخوند خراسانی توصیه های لازم را از طریق مرحوم آقازاده به مردم خراسان و شهرها واستانهای دیگر کرده بود. هیجان عمومی همه را فراگرفته بود. تا این که اولتیماتوم پذیرفته شد واین قضیه فروکش کرد و آخوند خراسانی در میان راه بازگشت به وطن به طور مشکوکی رحلت کرد.

درجریان شورش طالب الحق در مشهد، آقازاده، مشهد را ترك کرد و به تهران رفت و پس از فاجعه به توپ بسته شدن حرم مطهر در روز ۱۲ربیع الثانی ۱۳۳۰ هـ ق و شهادت تعدادی ازمردم در صحن مطهر و تضعیف موقعیت مستبدین در شهر، مجدداً به مشهد بازگشت.

جایگاه سیاسی آقازاده در آخرین روزهای حیات

آقازاده باتمسک به اخلاق رفیع و بی اعتنایی به مقامات دنیوی دردل و روح مردم رسوخ کرده بود. عموم نماینده های خراسان در دوره ها دوّم، سوّم و چهارم مجلس شورای ملی با توافق نظر ایشان به مجلس راه یافتند و خانه اش ملجأ و پناهگاه افراد بی پشت وپناه بود. همه استانداران و دولتمردان از ایشان حساب می بردند. در شورش کلنل محمد تقی خان پسیان نیز یاران کلنل و خود وی به ایشان احترام قائل بودند و به پناهندگان به خانه ایشان متعرض نمی شدند، چنانکه وی این وجهه را پس از اتمام کار کلنل نیز از دست نداد. ایرج میرزا از جمله کسانی بود که مدّتی در خانه ایشان متحصن شد.

این بود که رضاخان که چشم دیدن هیچ آدم بانفوذی را در قلمرو خود نداشت، پس از رسیدن به مقام سلطنت مترصد فرصتی بود تا ایشان را از پیش روی خود بردارد و این فرصت را در قیام گوهرشاد به دست آورد. وی پس ازآن که همراه شخصیتهای روحانی دیگر بازداشت و به تهران آورده شد، در آن جا خلع لباس شد و در دوره سرپاس مختاری که پس از فرار آیرم رئیس نظمیه به قدرت رسیده بود، با تزریق آمپول هوا به دست دکتر احمدی به شهادت رسید و در روز سیزدهم ذیقعده ۱۳۵۶هـ. ق. درجوار شاه عبدالعظیم در شهر ری دفن گردید.

ازآیت الله آقازاده، علاوه بر خدمات اجتماعی گسترده آثار علمی ارزشمندی نیز برجای مانده است، ازآن جمله القضاء والشّهادات، و مبحث الالفاظ و حاشیه بر کفایة الاصول را می توان نام برد.

شاگردان آقازاده

آیت الله آقازاده در امر تدریس و پرورش شاگردان برجسته، همانند امر سیاست و مدیریت اجتماعی از موقعیت بسیار ممتازی

برخوردار است. می توان گفت برجسته ترین چهره های علمی خراسان در اواخر حاکمیت قاجار و اوایل سلطنت رضاخان، همه از علم آموختگان مکتب فقهی و سیاسی او هستند وما به تنی چند از آن میان اشاره می کنیم:

۱. میرزا حسن بجنوردی(۱۳۹۵-۱۳۱۶هـ. ق.) معروف به ادیب بجنوردی و صاحب منتهی الاصول و القواعد الفقهیه

۲. شیخ محمد علی کاظمی خراسانی(۱۳۶۵-۱۳۰۹ هـ .ق.) صاحب «فوائد الاصول»

۳. شیخ فاضل قفقازی(۱۳۹۲-۱۳۱۴ هـ . ق.) وی درسال ۱۳۳۶ هـ . ق . به مشهد سفر کرد واز درسهای آقازاده، شیخ حسن برسی وحاج آقا حسین قمی بهره برد. آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی فرزند ایشان است.

۴. سید صدرالدین جزایری(۱۳۸۸-۱۳۱۳ هـ. ق.) که سال ۱۳۲۵ هـق همزمان با آمدن مرحوم آقازاده به مشهد، به این شهر آمد و از درسهای ایشان بهره برد.

۵. حاج آقا بزرگ اشرفی شاهرودی(۱۳۹۴-۱۳۰۷ هـ . ق.)

۶. حاج شیخ محمد حسین بختیاری کوه سرخی که در سال ۱۲۷۷ خورشیدی در کوه سرخ کاشمر متولد شد و پس از تحصیل مقدمات به حوزه مشهد وارد شد و در زمره شاگردان مرحوم آقازاده درآمد وبه آموختن دوره عالی فقه و اصول پرداخت وبعدها در نجف به کسب اجازاتی از مرحوم آیت الله نائینی و مرحوم آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی نایل آمد. در سال ۱۳۳۷ که دانشکده علوم معقول و منقول مشهد تأسیس شد، دعوت دانشکده را برای تدریس اصول پذیرفت وتا بهمن ۱۳۴۹ که بازنشسته شد به کار خود ادامه داد. ازآن پس به عنوان راهنمایی دوره فوق لیسانس از منابع عمده فقه و اصول و ارشاد دانشجویان با دانشکده همکاری کرد. کتاب «اصول المختار»، ترجمه جوابات مسائل اهل میافارقین از سید مرتضی و ترجمه اسرار الصّلوة شهید ثانی ازآثار اوست.

۷. آیت الله حاج سیّد جواد حسینی خامنه ای(-۱۳۱۳ هـ. ق.) والد مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای که در نجف اشرف در خانواده ای روحانی پا به عرصه جهان گذاشت و در ۳ سالگی همراه پدر به تبریز بازگشت و بعدها همراه شوهرخواهر خود، شیخ محمد خیابانی در صحنه های مبارزه حضور داشت. در جوانی عازم مشهد شد و تصمیم به اقامت گرفت واز محضر آیت الله آقازاده وآیت الله حاج آقاحسین قمی کسب فیض کرد و درسال ۱۳۴۵ هـ. ق. برای ادامه تحصیل به نجف رفت و سالیانی چند از درس میرزای نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی بهره برد و سال ۱۳۵۷هـ . ق. به مشهد بازگشت. ایشان تألیفات چاپ نشده ای در مباحث اصول و فقه دارند.

۸. میرزا مهدی حکیم(۱۳۵۴-۱۳۱۴هـ. ق.) فرزند حاج آقا بزرگ حکیم

۹. شیخ حسینعلی راشد تربتی(۱۴۰۰- ۱۳۲۴هـ. ق.)

۱۰. آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی(۱۳۹۶- ۱۳۱۸ هـ. ق.)

۱۱. آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی(۱۳۸۰- ۱۳۱۱ هـ. ق.)

۱۲. میرزا احمد مدرس یزدی(۱۳۹۱-۱۲۸۳هـ. ق.) معروف به نهنگ العلما

۱۳. آیت الله شیخ کاظم دامغانی متولد ۱۳۱۶

۱۴. شیخ غلامحسین محامی بادکوبه ای

۱۵. شیخ علی توحیدی بسطامی متولد ۱۲۹۱ هـ. ق.

۱۶. شیخ عباسعلی اسلامی(۱۴۰۵- ۱۳۲۳ هـ. ق.)

آنچه گفتیم اندکی بود از آن بسیار و زمان فراخی لازم است تا شخصیتهای بلندپایه ای چون آیت الله میرزا محمد خراسانی در خور شأنشان تجلیل گردند. کوشیدیم تا با تورق صفحات شگفت انگیز حیات پربارسیاسی و معنوی او، جوانه های خاطره افسرده نگردند و با پدیده بهار انقلاب شکوهمند اسلامی یاد این یادآوران زنده گردد.

■یادآوری: با تشکّر از بخش فیلمتیك دارالقرآن الکریم حسینیّه جناب آقای طبسی حائری که با در اختیار گذاردن عکس مرحوم آیت الله آقازاده، در بزرگداشت ایشان، ما را یاری کردند.

❁ ❁ ❁